

تورم حسابداری

تورم حسابداری

نوشته‌ی : دیوید توپیدی و جفری ویتینگتون

ترجمه‌ی : فریده خلعت‌بری

نقل از : نشریه‌ی حسابداری، شماره‌ی نوامبر ۱۹۸۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حسابداری در شرایط تورمی موضوعی است که سالها مورد بحث محافل حرفه‌ای و موجب وضع قوانین خاص در برخی از کشورهای جهان بوده است و روز به روز اهمیت بیشتری به دست آورده است. نوشته‌ی زیر اثر دو تن از اساتید و صاحب نظران حسابداری، پروفیسور دیوید توپیدی (استاد دانا نشگاه لانکاستر) و عضو کمیته‌ی بین المللی

رویه‌های جاری) وجفری و تینگتون (استاد حسابداری و رییس دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه بریستول) است که توسط همکار ما خانم فریده خلعت‌بری ترجمه شده است و برای مزید اطلاع علاقه‌مندان عرضه می‌گردد. برای سهولت مطالعه، واحد پولی موضوع جدا و اول به ریال تغییر یافته است.

منظور کردن سرمایه‌ی مالی در حسابها شاید طبیعی‌ترین کار برای یک حسابدار و متداول‌ترین روش حسابداری باشد که بر اساس آن سرمایه‌ی یک واحد تجاری به عنوان وجوه متعلق به مالکان و سود به عنوان درآمد ناشی از حفظ سرمایه به حساب می‌آید. دو روش برای تعیین ارزش سرمایه‌ی مالی وجود دارد: سرمایه‌ی مالی پولی و سرمایه‌ی مالی واقعی. اولین روش (یعنی سرمایه‌ی "پولی" سود حاصل از به‌کارگیری سرمایه‌ی مالی اولیه را بر حسب واحدهای پولی بیان می‌کند. این روشی است که در هزینه‌یابی بر مبنای قیمت اولیه استفاده می‌شود.

در روش سرمایه‌ی مالی "واقعی"، سرمایه‌ی اولیه‌ای که به کار گرفته می‌شود، با شاخص تورم تعدیل می‌گردد - یعنی سرمایه‌ی اولیه بر حسب واحدهای پولی در پایان دوره بیان می‌شود. حفظ ارزش سرمایه معمولاً به حسابداری بر اساس قدرت خرید جاری نیاز دارد، هرچند که می‌توان آن را با روش ارزش جاری - یا روش هزینه‌ی جاری - برای تعیین ارزش داراییها نیز درآمیخت تا نظامی متکی بر "شرایط واقعی" به دست آید.

سرمایه‌ی مالی پولی با هزینه‌یابی بر مبنای قیمت اولیه ابتدا کاربرد روش سرمایه‌ی مالی پولی را در هزینه‌یابی بر مبنای قیمت اولیه تشریح خواهیم کرد. مثال عددی به عنوان ابزاری برای تشریح روشهای دیگر حفظ ارزش سرمایه نیز به کار خواهد رفت. فرضهای ما به شرح زیر است:

۱- ترازنامه‌ی شرکت در ۲۹ اسفند ماه سال (۱) با روش هزینه‌یابی

بر مبنای قیمت اولیه به صورت زیر است :

<u>هزارریال</u>	<u>هزارریال</u>	
	۲۰۰۰	داراییهای ثابت به قیمت اولیه
		کسرمی شود :
۱۶۰۰	<u>۴۰۰</u>	استهلاک انباشته
		داراییهای جاری :
	۵۰۰	موجودی کالا
	۳۰۰	بدهکاران
	<u>۲۰۰</u>	وجه نقد
		کسرمی شود :
	۱۰۰۰	بدهیهای جاری
	<u>۶۰۰</u>	سرمايه در گردش
<u>۴۰۰</u>		
<u><u>۲۰۰۰</u></u>		

تامین شده از محل:

۱۰۰۰۰	سرمايه به صورت سهام
<u>۲۰۰</u>	اندوخته‌ها
۱۰۲۰۰	حقوق (مالی) صاحبان سهام
<u>۸۰۰</u>	وامهای بلندمدت
<u><u>۲۰۰۰</u></u>	

استهلاک داراییها به نرخ ۱۰ درصد در سال و به صورت ساده محاسبه شده است و سود و کارمزد و وامها به نرخ ۲/۵ درصد در سال در پایان هر سال پرداخت می شود .

۲- حساب سود و زیان برای سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه سال (۲) به شرح زیر است :

<u>هزارریال</u>	<u>هزارریال</u>	
۷۰۰۰		فروش
		کسرمی شود :

قیمت تمام شده ی کالاهای فروخته شده :

۵۰۰	موجودی اول دوره
۶۰۰۰۰	خریدهای طی سال
<u>۶۵۰۰</u>	
	کسرمی شود :
۸۰۰	موجودی پایان دوره
<u>۵۷۰۰</u>	
۱۳۰۰	کسرمی شود :
۶۰۰	سایر هزینه ها
۲۰۰	استهلاک
<u>۸۰۰</u>	
۵۰۰	سود ویژه ی دوره
	کسرمی شود :
۱۰۰	سود و کارمزد و امها
<u>۲۰۰</u>	
====	سود قابل تقسیم بین سهامداران

(برای ساده شدن مثال، مالیات و سودسها منادیده گرفته شده است .)
 ۳- ترازنامه در ۲۹ اسفندماه سال (۲) به شرح زیر است :

<u>هزارریال</u>	<u>هزارریال</u>
۲۰۰۰۰	داراییهای ثابت به قیمت اولیه
	کسرمی شود :
۶۰۰	استهلاک انباشته
<u>۱۴۰۰</u>	
	داراییهای جاری :
۸۰۰	موجودی کالا
۶۰۰	بدهکاران
۵۰۰	وجه نقد
<u>۱۹۰۰</u>	
	کسرمی شود :
۹۰۰	بدهیهای جاری
<u>۱۰۰۰</u>	
<u>۲۴۰۰</u>	سرمایه در گردش
====	

تامین شده از محل:

۱۰۰۰

سرمایه به صورت سهام

۶۰۰

اندوخته‌ها

۱۰۰

حقوق (مالی) صاحبان سهام

۸۰۰

وامهای بلندمدت

۲۴۰۰

=====

مثال بالا نظامی را ارائه می دهد که هر حسابداری با آن آشنایی دارد. ارزشیابی به قیمت اولیه صورت می گیرد، و حساب سود و زیان با ترازنامه هماهنگ است - یعنی افزایش در اندوخته‌ها (۴۰۰ هزار ریال) برابر با سود دوره است زیرا بنا به فرض سودی به سهام تعلق نمی گیرد و سهام جدید نیز صادر نشده است. بنابراین، مبلغ سود نشان دهنده‌ی میزان افزایش خالص ارزش واحد تجاری برای صاحبان آن واحد طی دوره است که بر اساس هزینه‌های اولیه حساب می شود. این امر نشان می دهد که میزان درآمد مدبلا شیوه‌ی ارزشیابی داراییها و نیز حفظ ارزش سرمایه و وابستگی قاطع دارد. اگر قبول داشته باشیم که محاسبه‌ی درآمد بر اساس هزینه‌های اولیه درست است، در آن صورت ترازنامه‌ی مبتنی بر هزینه‌های اولیه نیز باید مفید فایده‌ای باشد، زیرا اندازه‌گیری درآمد بر ترازنامه‌های ابتدا و انتهای دوره متکی است و فقط از این راه می توان حقوق مالی صاحبان سهام (سرمایه و اندوخته‌ها) را در آغاز و پایان دوره تعیین کرد.

سرمایه‌ی مالی پولی با تجدید ارزشیابی

تعیین سرمایه‌ی مالی پولی با روش ارزشیابی به هزینه‌های اولیه و وابستگی ندارد، هر چند که به نظر می رسد عکس این رابطه برقرار باشد (یعنی تعیین ارزش هزینه‌های اولیه اجباراً با حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی پولی پیوسته است). در عمل، هزینه‌یابی بر مبنای قیمت اولیه اغلب با تجدید ارزشیابی گه‌گاه داراییهای

ثابت تعدیل می شود. در این موارد، هیچ دلیل عملی برای حفظ نشدن ارزش سرمایه‌ی مالی پولی وجود ندارد، زیرا در واقع تعدیلاتی صورت می‌گیرد.

در تشریح این نکته، مثال عددی خود را با این فرض تعدیل می‌کنیم که داراییهای ثابت در اول فروردین ماه سال (۲) تجدید ارزشیابی می‌شوند. در این زمان بهای داراییهای مشابه داراییهای شرکت ۳ میلیون ریال است، ولی محاسبه‌ی استهلاك (به میزان ۱۰ درصد و به صورت مستقیم) هنوز مناسب شمرده می‌شود. ارزش جدید در اول فروردین ماه سال (۲) برابر $\frac{2}{4}$ میلیون ریال (یعنی قیمت جدید پس از کسر دو سال استهلاك به میزان ۶۰۰ هزار ریال) خواهد بود، که سودی معادل ۸۰۰ هزار ریال به دست می‌دهد. این سود تحصیل نشده، اگر روش سرمایه‌ی مالی پولی به کار گرفته شود، به عنوان بخشی از سود تعلق خواهد شد (اگرچه دلایلی برای محسوب کردن آن به عنوان تعدیل سال گذشته وجود دارد)، ولی روش متعارف حسابداری این قلم را به حساب سود و زیان راه نخواهد داد و در مقابل آن را مستقیماً تحت سرفصل سود سرمایه‌ی در ذخایر ثبت خواهد کرد.

این روش با حفظ ارزش سرمایه - مثل حفظ ظرفیتهای عملیاتی - سازگارتر است. جده سود سرمایه‌ی از سود این نکته را می‌رساند که این سود جزئی از سرمایه‌ی کسب و کار است که برای حفظ کسب و کار در سطح اولیه، باید ذخیره شود. استهلاكهای بعدی در مبلغ تجدید ارزشیابی شده به حساب سود و زیان راه خواهد یافت. بنا بر این روش متعارف حسابداری سود حاصل از داراییهای سرمایه‌ی راه رسمیت نمی‌شناسد، ولی زیانها را، حتی اگر سود سرمایه‌ی اولیه را خنثی کند، به رسمیت می‌شناسد. مباحثات اخیر در مورد تفکیک هزینه‌های استهلاك را می‌توان تلاشی در راه حفظ روش سنتی سرمایه‌ی مالی هزینه‌ای/ پولی برای تعیین درآمد در هنگام تجدید ارزشیابی داراییها تعلق کرد. تفکیک استهلاكی که مربوط به تجدید ارزشیابی داراییها است، امکان محاسبه‌ی سود ناشی از به کارگیری قیمت‌های

سرمایه‌ی مالی پولی با تجدیدارزشیابی هزینه‌ی جاری
هزینه‌یابی بر مبنای قیمت‌های جاری شامل تجدیدارزشیابی
همستاد* کلیه‌ی هزینه‌ها - به‌جای تجدیدارزشیابی تدریجی که از
ویژگیهای حسابداری سنتی است - می‌شود. هیچ دلیلی وجود ندارد
که چنین نظامی حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی را شامل می‌شود. در واقع،
"گزارش کل سود" نیز دقیقاً همین کار را انجام می‌دهد. علاوه
بر آن، به‌کارگیری روش سرمایه‌ی مالی پولی مانع استفاده از
روشهای دیگر حفظ ارزش سرمایه‌ی در درون همان نظام نیست. سود
عملیاتی بر مبنای حفظ ظرفیت فیزیکی عملیاتی، و گزارش کل سود
بر اساس حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی پولی تنظیم می‌گردد.

در این نظام حساب سود و زیان بر مبنای هزینه‌های جاری تهیه
می‌شود. سود به قیمت جاری به این ترتیب به دست می‌آید که هزینه‌ی
جاری جایگزینی داراییهای مصرف‌شده‌ی طی دوره کسر می‌شود،
ولی سود حاصل از نگاه‌داری داراییها به آن افزوده نمی‌شود.
بنابراین، هزینه‌یابی جاری شکلی جامع از تجدیدارزشیابی
تدریجی است که در حسابداری سنتی یافت می‌شود و قبلاً به آن اشاره
شد. همان‌طور که در مورد چنین تجدیدارزشیابی متداول است،
سرمایه به معنی سرمایه‌ی فیزیکی (یا ظرفیت عملیاتی) بسه‌کار
می‌رود، نه به معنی سرمایه‌ی مالی.

حساب سود و زیان بر مبنای هزینه‌ی جاری در نظام ارزشیابی
جاری با گزارش سود همراه شده است که نتیجه‌ی عملکرد واحد را در
طول سال نشان می‌دهد، چه سود ناشی از نگاه‌داری داراییها باشد
و چه سود عملیاتی.

گزارش سود برای سال منتهی به ۲۹ اسفندماه سال (۲) به شرح

زیر است:

* همستاد ترجمه‌ی Systematic است.

هزارریال هزارریال

۱۶۷

سودبراساس هزینه جاری

اضافه می شود:

ذخایر ناشی از تجدیدارزشیابی:

۷۳

تعديل موجودی کالا

تجدیدارزشیابی داراییهای

ثابت^۱

۵۵۳

۴۸۰

۷۲۰

کل سود

=====

رقم سود کل در حقیقت کل سود حاصل از به کارگیری روش سرمایه‌ی مالی پولی است که در آن هزینه‌های جاری به عنوان مبنایی برای ارزشیابی داراییها به کار رفته است. بنابراین، رقم شامل "سود حاصل از مالکیت" می شود که به دلیل تجدیدارزشیابی داراییها در طی دوره بر مبنای هزینه‌های جاری به وجود آمده است. ارزش پولی به طور کامل ثبت می شود و تعدیلی در آن به دلیل نیاز به جایگزینی فیزیکی داراییها (مانند فروش متداول در تعیین سود براساس هزینه جاری) یا برای منظور کردن تاثیر تورم (مانند شیوه‌ی عمل در روش "شرایط واقعی" که در زیر به آن اشاره می شود) به عمل نمی آید. این روش به وضوح نشان می دهد که چه گونه روش

پوششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- (۱- $\frac{120}{100}$) (۶۰۰ - ۳۰۰۰۰)، یعنی ارزش داراییهای ثابت در شروع دوره پس از کسر استهلاک که به وسیله‌ی شاخص خاص آن داراییها تعدیل شده است. از کل مبلغ تجدیدارزشیابی شده (پاسودن ناشی از مالکیت) که معادل ۴۸۰ هزار ریال است، ۶۰ هزار ریال در طول سال به صورت استهلاک براساس هزینه‌های جاری (۳۶۰ هزار ریال به جای ۳۰۰ هزار ریال که در ارزشیابی براساس قیمت اولیه ثبت می شد) تحقق یافته است، و مانده‌ی ۴۲۰ هزار ریال در پایان سال سود حاصل نشده است. این رقم در ارزش جاری داراییهای ثابت پس از کسر استهلاک (۲۵۲۰ هزار ریال به جای ۲۰۱۰۰ هزار ریال که قیمت در ابتدای دوره بود) منظور شده است.

سرمایه‌ی مالی پولی، سرمایه‌را به صورت منبعی با ارزش پولی می‌نمایاند که به صاحبان موسسه تعلق دارد، و چه‌گونه سنجای را برای اندازه‌گیری سود ارائه می‌دهد که با ترازنامه هماهنگ است و به این دلیل بر سندهای متعارف ارزشیابی در ترازنامه تکیه می‌کند.

حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی واقعی

نظرات اصلی درباره‌ی حفظ ارزش سرمایه‌ی مالی واقعی این است که آن چه مالک کسب و کار پیش از کسب سودنیا زیسه حفظ آن دارد، واحدهای پولی نیست، بلکه قدرت خرید واقعی است. روال متعارف این است که قدرت خرید واقعی را با کمک یکی از شاخصهای عمومی قیمتها - مانند شاخص قیمت خرده‌فروشی (که فرض می‌شود تقریبی خوب برای نشان دادن تغییر در هزینه‌ی زندگی صاحبان کسب و کار می‌باشد) اندازه‌گیری کنند. بنابراین اگر سرمایه‌ی اولیه‌ی صاحبان کسب و کار برابر ۱۰۰ میلیون ریال باشد، و تورم شاخص قیمت خرده‌فروشی را به میزان ۱۰ درصد افزایش دهد، پیش از آن که سودی محاسبه‌شود، باید ۱۱۰ میلیون ریال یعنی ۱۰۰ میلیون ریال تعدیل شده با نرخ تورم را به عنوان سرمایه‌کنار بگذاریم. این، صرفاً همان سرمایه‌ی مالی پولی است که در آن این واقعیت گنجانیده شده است که ارزش واحد پول به دلیل تورم (و گاهی افت قیمتها) نوسان می‌کند.

سرمایه‌ی مالی واقعی هرگز در ارتباط با ارزشیابی سنتی به کار نمی‌رود و پیشنهاد چنین کاربردی نیز داده نمی‌شود. چنین کاربردی رقمی بی‌معنی به عنوان سود به وجود می‌آورد، زیرا ارزشیابی داراییها منعکس‌کننده‌ی قیمت‌های در حال تغییر نیست، هرچند که روش تامین ارزش سرمایه‌که بر مبنای آن محاسبات انجام شده است، نشان دهنده‌ی تغییرات قیمت است. به این ترتیب، این روش در دوره‌های تورم، زیان‌های جدی به وجود خواهد آورد. بنابراین، اگر هدف یافتن "تعدیلی یک‌خطی" باشد تا حسابه‌ی

مبتنی برهزینه‌ی اولیه را با منظور کردن اثرات تورم تعدیل کند، چنین تعدیلی کافی نخواهد بود اگر فقط به صورت تعدیل سرمایه‌ی مالی واقعی باشد. همچنین، لازم است که اثرات تورم بر ارزش داراییها (وبدهیها)ی شرکت نیز در تعدیلها منظور شود. در غیر این صورت تعدیل متکی به این فرض غیر قابل قبول خواهد بود که تغییرات قیمت فقط بزرگ جزء ترازنامه (حقوق صاحبان سهام) اثر می‌گذارد و بر سایر اجزا (داراییها و بدهیها) تاثیر ندارد. بنا بر این، تعدیل یک خطی به راستی نشان دهنده‌ی خالص تاثیر دو تعدیل (یکی برای سرمایه در آغاز دوره، و دیگری برای خالص داراییها) خواهد بود. روش سرمایه‌ی مالی واقعی در دو زمینه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد: در حسابداری قدرت خرید جاری، و در حسابداری ارزش جاری - از جمله روشهایی که از هزینه‌ی جاری برای محاسبه‌ی ارزش جاری استفاده می‌شود. روش قدرت خرید جاری یک شاخص مشترک را برای داراییها و بدهیها - به کار می‌گیرد، در حالی که روش ارزش جاری تغییرات قیمت را به طور خاص مورد استفاده قرار می‌دهد. ماهریک از دوروش را به ترتیب مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سرمایه‌ی مالی واقعی در حسابداری بر اساس قدرت خرید جاری
 حسابداری با در نظر گرفتن قدرت خرید جاری شامل تعدیل ارزش داراییها بر حسب قیمت‌های شروع دوره، و نیز تعدیل سرمایه‌های است که نگاه داشته می‌شود. بنا بر این، بر اعتراضی که بر ترکیب قیمت‌های اولیه با سرمایه‌ی مالی واقعی وارد بود، غلبه می‌کند. کلیه‌ی داراییهای غیر پولی (داراییهایی که ارزش آنها بر حسب واحدهای پولی ثابت نیست) با کاربردها همان شاخص عمومی که در مورد سرمایه استفاده شده، دوباره ارزشیابی می‌شوند. پس در یک دوره‌ی تورم نه سودروی آن داراییها گزارش می‌شود و نه زیان. این روش ارزشیابی از مزیت بی طرفی برخوردار است، ولی عیب بزرگ آن این است که احتمالاً به نوعی ارزشیابی منجر می‌شود که

بسیار از قیمت جاری دارایی در بازار به دور است. داراییهای پولی (وجه نقد و بدهکاران) و بدهیهای پولی (بستانکاران و وامها) بر حسب واحدهای پولی ارزشی ثابت دارند. بنابراین، اعمال روش قدرت خرید جاری در مورد حفظ ارزش داراییهای پولی زیان (زیرا ارزش داراییهای پولی با تورم افزایش نمی یابد) و در مورد وام گیری سود (زیرا با واقعی و همراه با تورم کاهش می یابد) به دست می دهد.

محاسبات قدرت خرید جاری کاملاً بی طرفی را حفظ می کند، تغییرات شاخص عمومی قیمتها را انعکاس می دهد، و مشکلات ارزشیابی ناشی از کم تحرکی در بازار هر یک از کالاها را نادیده می انگارد، ولی مشکلات به کارگیری مبنای قیمت های اولیه بر آن اثر می گذارد. علاوه بر آن، این محاسبات کاملاً پیچیده است. اخیراً پیشنهاد شده است که تعدیلی یک خطی می تواند برای خلاصه کردن تعدیلات روش قدرت خرید جاری به کار گرفته شود. در مثال ما، این تعدیل احتمالاً باید شامل کاهش ۲۴ هزار ریال از سود حاصل از به کارگیری قیمت های اولیه باشد تا آن را به سود حاصل از به کارگیری روش قدرت خرید جاری برساند. (این تفاوت بین سود بر اساس قیمت های اولیه به مبلغ ۴۰۰ هزار ریال که در مثال سرمایه مالی پولی قید شده بود، و سود بر اساس قدرت خرید جاری به مبلغ ۳۷۶ هزار ریال وجود دارد. رقم را نمی توان صرفاً با شاخص بندی سرمایه بر اساس قیمت های اولیه به دست آورد.) همان طور که قبلاً اشاره شد، ماهیت یک خطی بودن این تعدیل گمراه کننده است: تعدیل در حقیقت خلاصه ای از یک رشته تعدیلات قدرت خرید جاری در مورد اقلام مختلف حسابها است. اگر تعدیل اخیر بیش از حد ساده به نظر می آید، روشهای پیچیده تری برای تطبیق دادن درآمد بر اساس قیمت های اولیه با درآمد بر اساس قدرت خرید جاری وجود دارد که در همین حال از کلیه حاشیه رویهای تعدیل بر اساس قدرت خرید جاری به دور است. به عنوان مثال، می توانیم به صورت جداگانه افزایش سود ناشی از تجدید ارزشیابی بر اساس قدرت خرید جاری در

مورد داراییهای غیر پولی، و کاهش ناشی از به کارگیری قدرت خرید جاری در مورد واقعی بودن (شاخص بندی شدن) - و نه اسمی بودن (پولی بودن) - سرمایه‌ی مالی را نشان بدهیم.

روش قدرت خرید جاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، زیرا یک نارسایی قاطع دارد: نمی‌تواند تغییر قیمت داراییهای مشخصی را که شرکت از آنها استفاده می‌کند، یا آنها را نگاه می‌دارد، به خوبی نشان دهد. روش قدرت خرید جاری که با شاخص عمومی قیمتها، اقلام متکی به قیمتهای اولیه را تعدیل می‌کند، ممکن است، در زمانی که تغییر قیمتها زیاد باشد، تصویری کاملاً گمراه‌کننده از ارزش جاری داراییها در بازه دست دهد. بنابراین، اگرچه روش قدرت خرید جاری ممکن است شیوه‌ای مناسب برای تبدیل داراییهای مالی پولی به داراییهای مالی واقعی باشد، در صورتی که نحوه ارزشیابی که ارقام بر آن متکی است (برای محاسبه‌ی سرمایه‌ی پولی در شروع دوره) و با آن مقایسه می‌شود (برای محاسبه‌ی سرمایه در پایان دوره) نامناسب باشد، ارقام حاصل برای اندازه‌گیری درآمد مصرفی نخواهد داشت. با ترکیب ارزشیابی بر اساس هزینه‌ی جاری و روش سرمایه‌ی مالی واقعی می‌توان بر این مشکل فایز آمد. حال این نظام را بحث می‌کنیم که در این جا با عنوان "نظام شرایط واقعی" آمده است.

سرمایه‌ی مالی واقعی با ارزشیابی بر اساس هزینه‌ی جاری روش "شرایط واقعی" تاریخی طولانی در نوشته‌های علمی حسابداری دارد این روش، برای اولین بار در گزارش کمیته‌ی سندی - لندنز (۱۹۷۵) به عنوان مبنای هزینه‌یابی بر اساس هزینه‌های جاری به طور رسمی در بریتانیا به کار برده شد، و از آن پس، به عنوان وسیله‌ی ترکیب روش سرمایه‌ی مالی واقعی با ارزشیابی بر اساس هزینه‌ی جاری به کار رفته است. روش از ضعف روش قدرت خرید جاری - یعنی شکست در شناسایی تغییرات قیمت داراییها (در مقایسه با تغییرات عمومی قیمت) - عاری است، و نیز از ضعف روش کمیته‌ی

سندی لنذر در مورد هزینه یابی جاری - یعنی نادیده گرفتن تاثیر تورم عمومی در سود کل - نیز به دور است .

شکل ساده ی گزارش سوددهی بر اساس شرایط واقعی که درآمد بر اساس قیمت های اولیه را با کل سود واقعی هماهنگ می کند ، در زیر تشریح شده است ، این تعریف بر واقعیات فرض شده در مثال عددی ، متکی است که قبلا برای بیان هزینه ها بر اساس قیمت های اولیه ، نظام کمیته ی سندی لنذر ، و قدرت خرید جاری به کار گرفته شده بود .

هزار ریال

۴۰۰

درآمد بر اساس قیمت های اولیه

اضافه می شود :

افزایش داراییها بر اساس هزینه های جاری

طی سال ۲

کل سود واقعی

۳۲۰

۷۲۰

هزار ریال

۲- سود حاصل از مالکیت داراییها بر اساس

هزینه های جاری :

افزایش ارزش داراییهای ثابت یا توجه به

۶۰۰

هزینه های جاری $(1 - 100/120) \times 3000 = 3000$

کسرمی شود :

افزایش هزینه ی استهلاک انباشته با توجه به

۱۲۰

هزینه های جاری $(1 - 100/120) \times 600 = 600$

۴۸۰

منافع قابل تحصیل ناشی از مالکیت بر اساس

هزینه های جاری برای سال پس از کسر جزء

مربوط به تجدید ارزشیابی هزینه های جاری

که به عنوان استهلاک طی سال به هزینه منتقل

می شود (یعنی تعدیل استهلاک بر مبنای

هزینه های جاری ۲۰۰-۳۶۰ به عنوان سود

قابل تحصیل ناشی از مالکیت)

۱۶۰

۳۲۰

کسرمی شود:

تعدیل بابت تاثیر تورم بر ارزش سهامداران ۳

۲۰۰

۵۲۰

کل سود

مشاهده می شود که این گزارش شامل دو تعدیل بر در آمد بر اساس قیمت های اولیه است تا میزان سود واقعی را به دست دهد. اولین تعدیل، ارزش پولی هزینه جاری دارایی های را که در پایان سال نگاه داشته شده اند، در طی سال به رقم اصلی می افزاید (این رقم، سود تحقق نیافته ای حاصل از مالکیت است). تعدیل دوم مبلغی را برای منظور کردن تاثیر تورم در کاهش دادن ارزش سرمایه ی اولیه ی سهامداران کسرمی کند. بنا بر این، برای اندازه گرفتن کل سود واقعی، روش سرمایه ی مالی واقعی به عنوان وسیله ی اندازه گیری سود مورد استفاده قرار می گیرد. این شکل ساده ی گزارش، که بر افزایش ارزش دارایی های واقعی تاکید می ورزد، به طور خاص مناسب حال شرکت های متکی به ارزش - مانند شرکت های سرمایه گذار در املاک - است که دارای قابلیت تولید نیستند.

گزارش تهیه شده بر اساس شرایط واقعی در اصل شبیه گزارش تغییر در حقوق مالی سهامداران است. گونه ای اندکی پیچیده تر، ولی احتمالاً کامل تر، این گزارش از محاسبه ی سود عملیاتی بر اساس هزینه های جاری آغاز می شود، سپس سود تحقق یافته و تحقق نیافته ای حاصل از مالکیت به آن افزوده می گردد و پس از آن کاهش ارزش سرمایه ی مالی واقعی از آن کسرمی شود. روشن است که این روش بیشتر برای شرکت های تولیدی مناسب است که قابلیت تولید شناخته شده ای دارند. این وضع در حقیقت گزینش نظام سندی بلند است که به آن روش حفظ ارزش سرمایه ی مالی واقعی افزوده شده است. چنین صورت وضعیتی، در مورد مثال عددی ما در زیر دیده می شود.

۳- (۱۱۰/۱۰۰) × ۲۰۰۰۰، یعنی سرمایه ی سهامداران و ذخایر به قیمت جاری در شروع دوره پس از تعدیل به وسیله ی شاخص عمومی قیمت های سال.

هزار ریال	هزار ریال	هزار ریال	فروش کسرمی شود:
۷۲۰۰۰			
	۵۷۰۰		قیمت تمام شده ی کالا های فروخته شده
	۷۳		هزینه ی تعدیل فروش
۵۷۷۲۳			کسرمی شود:
۱۲۲۲۷	۶۰۰		سایر هزینه ها
	۳۶۰		استهلاک
	۱۰۰		سود و کارمزد و امضا
۱۰۵۶۰			سود بر اساس هزینه ی جاری
۱۶۷			اضافه می شود:
			سود حاصل از مالکیت به قیمت جاری:
			هزینه ی تعدیل فروش
	۷۳		(موجودی کالا)
	۴۸۰		دارایی های ثابت
۵۵۳			کسرمی شود:
			تعدیل سرمایه در اول دوره
	۲۰۰		با توجه به تورم ۴
۳۵۳			کل سود واقعی
۵۲۰			
====			

این حساب ، تا نقطه ی محاسبه ی سود بر اساس هزینه ی جاری درست مثل حساب سود و زیان در هزینه یایی جاری است . سود حاصل از مالکیت که به آن افزوده می شود همان نتیجه ی تجدید ارزشیایی است که در گزارش سود بر اساس هزینه یایی جاری آمده است . این سود شامل سود تحقق نیافته ی حاصل از مالکیت (استهلاک و تعدیل قیمت تمام شده ی کالا های فروخته شده) است که در محاسبه ی سود

۴- مانند مثال قبل $(1 - 110/100) \times 2000$.

بر اساس هزینه‌ی جاری کسر شده است. نکته‌ی نودر این روش کاهش سود است که رقم آن بر اساس ارزش پولی داراییها محاسبه می‌شود. با در نظر گرفتن تورم که جزء موهوم ناشی از تورم را حذف می‌کند، ورقمی نهایی برای سود واقعی باقی می‌گذارد. تعدیسل تورم (۲۰۰ هزار ریال) صرفا حاصل ضرب نرخ تورم (۱۰ درصد) در سرمایه‌ی اولیه‌ی صاحبان کسب و کار به هزینه‌ی جاری (۲ میلیون ریال) است. بدیلی دیگر از این گزارش میزان فزونی انواع مختلف داراییها یا بدهیها (سود واقعی) یا کاستی آنها (زیان واقعی) را نسبت به شاخص عمومی قیمت‌ها فاش می‌سازد. چنین گزارشی سود حاصل از وام‌گیری و زیان ناشی از مالکیت داراییهای پولی را نشان می‌دهد. سود یا زیان از مقایسه‌ی بدهیها و داراییهای پولی که دارای ارزش پولی ثابت هستند با تغییر شاخص عمومی به دست می‌آید. بنا بر این، جزئی با اهمیت و (بسیاری بر این عقیده‌اند) مفید از نظام قدرت خرید جاری را نشان می‌دهد. همچنین، سود (یا زیان) واقعی ناشی از مالکیت را می‌نماید که از مقایسه‌ی تغییر قیمت داراییهای واقعی با تغییر شاخص قیمت عمومی به دست می‌آید. بنا بر این، در مثال ما، داراییهای ثابت بر حسب قیمت اسمی به میزان ۴۸۰ هزار ریال افزایش یافته است، ولی ما تغییرات عمومی قیمت (۲۴۰/۱۰۰ = ۲۴۰٪) را از آن کسر می‌کنیم تا سود واقعی حاصل از مالکیت را که ۲۴۰ هزار ریال است، نشان دهیم؛ یعنی نیمی از سود اسمی حاصل از مالکیت موهوم و در نتیجه‌ی تورم عمومی حاصل شده بود. نظام قدرت خرید جاری داراییها را فقط با در نظر گرفتن تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها نشان می‌داد، و بنا بر این از به دست آوردن این سود واقعی عاجز بود. این نتیجه به دلیل انحراف قیمت داراییها از شاخص عمومی قیمت‌ها حاصل می‌شود. در دست نداشتن این رقم ضعف واضح نظام قدرت خرید جاری است. خالص تا ثیرا بین سود (و زیان نهایی) واقعی بر گروههای خاص دارایی درست بر این رقم سودا نباشته‌ی واقعی حاصل از مالکیت است که در ساده‌ترین حالت دیده شد، زیرا گزارش دیگر در اصل صرفا ترتیبی متفاوت از اطلاعاتی است که در حالت ساده‌ی اولیه به دست آمده بود.

ترازنامه ای که بابه کارگیری روش شرایط واقعی به دست می آید، در اصل شبیه ترازنامه هزینه یا بی جاری است که در آن ارزشیابی داراییها بر اساس هزینه جاری انجام شده بود. تنها تفاوت در نمایش حقوق مالی صاحبان کسب و کار است زیرا که بین سود حاصل از شاخص بندی عمومی سرمایه های اولیه، و سود حاصل از درآمد واقعی تنها یز وجود دارد. به طور خلاصه، روش قدرت خرید جاری / هزینه یابی جاری به شرایط واقعی می تواند رقم سود در هزینه یابی جاری و نیز رقمی به مراتب پرمعنا تر به ما بدهد که سود ناشی از مالکیت داراییها است، البته تا آن جا که این سود، سود واقعی پس از منظور کردن تورم باشد. این که کدام یک از ارقام اخیر مفید تشخیص داده شوند هم به کاربرد اطلاعات و هم به ماهیت و شرایط عملکرد شرکت بستگی دارد. به عنوان مثال، در مورد شرکت تولیدی که قصد دارد توان تولید کنونی خود را حفظ کند، سود بر اساس هزینه ی جاری می تواند اطلاع با اهمیتی برای سرمایه گذاری باشد که می خواهد قدرت کسب درآمد شرکت را در آینده برآورد کند، در حالی که برای یک شرکت سرمایه گذار در املاک که در آن افزایش سرمایه ی شرکت می تواند عاملی با اهمیت در تعیین اجاره ی دریافتی باشد، مبحث وسیع تر سود کل می تواند با اهمیت تر تلقی شود.

اعتراضی که می تواند بر روش تعیین سود کل وارد شود این است که مانند هزینه یابی جاری به شدت بر ارزشیابی داراییها تکیه دارد، حال آن که این ارزشیابی می تواند تابع رکود شود. یعنی این که ارزشیابی به شدت تحت تاثیر عوامل خارجی و غیر قابل اطمینان است. این اعتراض می تواند در موارد خاص اهمیت بیشتر داشته باشد. به عنوان مثال تعیین ارزش داراییهای یک واحد تولیدی بر حسب هزینه ی جاری به مراتب دشوارتر از تعیین ارزش داراییهای یک شرکت سرمایه گذار در املاک است. با وجود این باید به خاطر داشت که شیوه های ارزشیابی با پاره ای مشکلات رویاروی است، و در پاره ای از موارد می توان استدلال کرد که استفاده ی بیشتر می تواند کمتر قابل اطمینان بودن را جبران کند. علاوه بر آن، کلیه ی نظامهای

حسابداری که در بالا شرح داده شد بر ارزش داراییها تکیه می کنند، زیرا تمام آنها مثالهایی از "حسابداری بر مبنای مفهوم - تعلق در آمد و هزینه" هستند. ما در بررسی جامع تراژنا مه و حساب سود و زیان تاکید داشته ایم، و این خود نشان می دهد که اندازه گیری در آمد به ارزشیابی دارایی، و نیز به انتخاب روش حفظ ارزش سرمایه بستگی دارد. علاوه بر آن دو انتخاب به یک دیگر مربوط هستند (یا باید مربوط باشند). دیدیم که روش حفظ ارزش سرمایه مالی واقعی ظاهر به صورتی معقول با روش ارزشیابی هزینه بر اساس قیمت های اولیه هماهنگی ندارد. به همین ترتیب، می توانیم نتیجه گیری کنیم که روش حفظ ارزش سرمایه فیزیکی با هزینه یابی بر اساس قیمت های اولیه، یا با قدرت خرید جاری که به وسیله هزینه یابی بر اساس قیمت های اولیه تعدیل شده باشد، نیز در توافق نیست. به این ترتیب هنگام انتخاب روش حفظ ارزش سرمایه، نمی توانیم نسبت به گزینش یا به ارزشیابی توجه باشیم.



سگر می

پروش

آقای هوشمند از دیدن ماتریس زیر که هزینه ی توزیع شرکت چرا را از پنج کارخانه به چهار مرکز فروش نشان می دهد تعجب کرد.

کارخانه ها

مراکز فروش	۸	۶	۳	۵	۷
	۷	۵	۲	۴	۶
	۹	۷	۴	۶	۸
	۱۲	۱۰	۷	۹	۱۱

ماتریس نشان می دهد که هزینه ی انتقال یک تن کالا از کارخانه ی A به مرکز فروش I فقط ۸ تومان است. اگر گفتید چرا آقای هوشمند تعجب کرد؟